

# انقلاب اسلامی و

تشکیلات وزارت‌خانه‌ای و نقش وظایف و اختیارات وزرا نیز ساخت است که باید قانون اینگونه حدود را تعیین کند. لذا آنچه که هماکنون میتواند مورد بررسی قرار گیرد تشكیلاتی است که از رژیم معدهم سابق به ارمغان باقی مانده است.

وزیر بالاترین مقامی است که در رأس یک دستگاه عظیم اداری بنام وزارت‌خانه قرار گرفته است. نظام وزارت‌خانه‌ای مبتنی بر اصل تقسیم ثانوی امور مملکتی با توجه به تخصص در حالیکه اهداف خاص خود را در محدوده اهداف عام جامعه دنبال میکند، میباشد.

کلیه امور اجرائی و رسمی کشور بین وزرا و نخست‌وزیر تقسیم شده است که اصل تفکیک امور اجرائی خود موجب ایجاد ناهماهنگی و پراکندگی بین کارها میگردد که هیئت دولت در رأس آنها نخست‌وزیر عهده‌دار هماهنگی بین امور میشوند.

وزیر علاوه بر اینکه مهمترین و بزرگترین مقام دپارتمان وزارت‌خانه خودش میباشد دارای یک شخصیت سیاسی که منبعث از تخصیص حکومتی وی به عنوان یک عضو دستگاه هدایت کننده جامعه است، نیز میباشد. وزرا از اختیارات بسیار وسیعی در داخل وزارت‌خانه خود برخوردارند. وعلت این است که وزارت‌خانه‌ای موجود مبتنی بر اصل حق تصمیم‌گیری مرکزیت عمل میکنند. سلسله مراتب اداری که برآساس مقررات خشک و بیروج تنظیم شده این مرکز و وزیر محوری را تأمین میکند. وزیر هرچند که در مقابل دولت و مجلس مسئول و باسخگوی امور جاریه در وزارت‌خانه تابعه خودش میباشد از قید سلسله مقررات و مراتب اداری بیرون است. وزیر در محدوده‌ای مشخص قدرت بر کاری کلیه کارمندان خود را از معاون وزیر تا کارمند ساده اداری دارا میباشد.

اما اوّله وزارت یا از «وزر» به معنی سنگینی گرفته شده ویا از «زور» به معنی کوهی که به آن پناه برده میشود. در آیاتی از قرآن حضرت موسی از خداوند درخواست یک وزیر را دارد که خداوند درخواست او را اجابت کرده و هارون را وزیر وی قرار میدهد (قال رب اشرح لی صدری - ویسلی امری - واحلل عقدة من لسانی - یقفو واقولی - واجعل لی وزیراً من اهلی...). ودر روایات نیز آمده است که پیامبر گرامی اسلام امام علی (ع) را به عنوان وزیر معرفی کرد که مورد قبول خداوند واقع گردید متناسبانه به هیچ وجه وزارت‌خانه‌ای رابطه‌ای بین این تلقی قرآن از وزیر وزارت و آنچه که هماکنون موجود است شد. چرا که طرح نظام وزارت‌خانه‌ای در تشکیلات حکومت شاهنشاهی ایران ارمغان غرب (خصوص فرانسه) میباشد. حال آنکه وزیر در بیانش سیاسی اسلام بازی پیامبر یا ائمه اطهار ویا ولی فقیه است. همانگونه که امام علی (ع) وزیر پیامبر و مالک اشتر وزیر امام علی

موجود اجتماعی را در رابطه با قوه مجریه و حضور نهادهای انقلابی به تحلیل گرفت و شاید که در پیشنهاداتی در رابطه با اخذ موضع صحیح اراده داد. در خاتمه ضرورت هدایت امور آموزشی و فرهنگی در قالب یک نهاد انقلابی مورد بحث قرار خواهد گرفت.

## ۱- نگاهی به تشکیلات دولتی:

نظام جمهوری اسلامی بر اصل تفکیک قوا بنا نهاده شده است که قوانین، طرحها و برنامهای جمهوری اسلامی توسط قوه مجریه به اجرا گذاشته می‌شود. قوه مجریه مجموعه نهادهای اداری و تشکیلات رسمی و قانونی کشور است که در عین

## \* نظام وزارت‌خانه‌ای مبتنی بر اصل تقسیم ثانوی امور مملکتی با توجه به تخصص در حالیکه اهداف خاص خود را در محدوده اهداف جامعه دنبال می‌کند، می‌باشد.

استقلال عمل با پیوندهای رسمی با مجلس و توسط حاکمیت شروع و لایت فقیه مورد نظارت قرار میگیرد که البته در شرایط عادی ایندو هیچگدام وظایف و اختیارات قوه مجریه را دچار نقصان نمی‌سازد مگر در حالتی بحرانی که کلادولت بزیر سوال ولی فقیه و مردم یا مجلس برده شود. از سوی دیگر بخاطر ماهیت کار دولت بعنوان تنها نماینده حکومت با مردم در ارتباط مستقیم قرار میگیرد. قدرت اجرائی در جمهوری اسلامی مطابق با قانون اساسی بین ولی فقیه و رئیس جمهور و هیئت دولت تقسیم شده است. ولی فقیه مطابق با اصل چهارم قانون اساسی میتواند فراتر از مسئولیت‌های قانونی دخالت کرده و حتی مأ فوق مجلس شورای اسلامی عمل نماید و این بخاطر قدرتی است که فقه شیعه در رابطه با نظام حکومت اسلامی برای ولی فقیه قائل است. اما آنچه که هماکنون مورد نظر و بررسی ماست دولت است که قوه مرکزی کلیه سازمانها و شرکتها و وزارت‌خانه‌ای حقوقی و رسمی مملکتی است. دولت مرکب از تمام وزیران و نخست‌وزیر است که مهمترین وظیفه نخست‌وزیر ایجاد هماهنگی بین مسئولیت‌های مجرزا و دور از هم وزراست. قانون اساسی در مورد حدود وظایف و اختیارات نخست وزیر ساخت است که این خود میتواند موجب بروز ناهماهنگی‌ها و اختلالاتی در کارها گردد. همچنین قانون اساسی در مورد

## بسمه تعالی

آنچه در این مختصر بیان شده است نه بیانگر نفی مطلق نظام وزارت‌خانه‌ایست و نه تأیید مطلق آنچه که هم اکنون نهاد انقلابی خوانده میشود. بل بیک ارزیابی و مقایسه مجتملی از نظام اداری و سازمان انقلابی است. و نیز بیان عدم کار آئی تشکیلات اداری و آمادگی خوب نهادهای انقلابی برای خیزها و پرشهای انقلابی جهت برپایی و ساختن انقلاب اسلامی است. ولب سخن در جهت چگونگی تحقق هرچه سریعتر اهداف و آرمانهای جمهوری اسلامی است که خونهای باک جوانان برومده این مژوبیم مهر تأیید و تثبیت برآن نهاده است.

از سوی دیگر سخن برسر قصور یا اشتباه یا انحراف فرد یا نهادی نیز نیست بلکه اعتراض بعضی است که در حالیکه همه نیروهای مسلمان اعم از مسئول یا غیر مسئول از موقع آن امتناع ورزیده و در سخنان خود آنرا نفی میکنند حوادث و مقداری تعلل ما را به آن سومی کشاند. دولت در برخورد با نهادهای انقلاب چاره‌ای ندارد جز اینکه به رصوحت ممکن آنها را با خود هماهنگ نماید و شاید در شرایط فعلی تنها راه ممکن را وزارت‌خانه‌ای نمودن و یا جذب وزارت‌خانه کردن آنها یافته است.

در اینکه کلیه امور اجرائی کشور در محلی باید هماهنگ و تمرکز گردد حرفی نیست چرا که این امر یکی از ارکان نظام جمهوری اسلامی مطابق با قانون اساسی است که هرنوع کاری باید بین سه قوه تقسیم شود، چون هر عملی یا از جنس قانونگذاری، و اساساً این تفکیک قوا بر تمرکز امور هر قوه بخصوص اجرائی نهاده شده است و دولت بعنوان عامل مرکزی قوه مجریه باید کلیه امور اجرائی را در خود تمرکز کرده و هماهنگ سازد. اما این تمرکز هیچگونه ربط منطقی با این چنین برخوردی با نهادهای انقلابی ندارد مگر اینکه بدنیال ساده‌ترین راه بگردیم که البته نه مطلوب است و نه گزینش اصلاحی خواهد بود.

توجه عمیق و همه جانبه به موضوع که تاحدی بسربوشت و جهت‌گیری اینده انقلاب اسلامی وابسته است ضرورت تمام دارد. ارائه تحلیلهای پخته که برخاسته از ارزشها و آرمان‌های انقلاب در رابطه با واقعیت‌های موجود اجتماعی باشد و اینکه دولت چه تنگناهایی در این زمینه دارد و نیز چه حقی که نهادها برای حفظ موجودیت، استقلال و ضوابط خود دارا می‌باشند بد بررسی منطقی و مطلوب مسئله کمک شایانی می‌کند. که خود قبل از هرچیز مارا بیک شناخت جامعی از سازمانهای رسمی و نهادهای انقلابی می‌رساند. آنگاه باید ضوابط حاکم برنهادهای انقلاب اسلامی و چگونگی شکل‌گیری آنها را بررسی نموده و سپس شرایط

## ماده‌ای انقلابی

اصولاً فرد حقوق بگیر در سازمانهای دولتی به اداره خود بیش از فردی که داوطلبانه انجام کاری را پذیرفته وابسته است.

۵- سازمان های اداری بر اساس اخذ حداکثر کار آبی از نیروی انسانی ایجاد شده اند ولی بعد از مدتی قسمت اعظم نیروی اداری صرف خدمات به خود میگردد. و مقدار زیادی از کار مایه خود را که جامعه برای آن سرمایه گذاری کرده می بلعد. به عبارت بهتر هیچگاه در ادارات کار خالص با بازدھ خوب و مطلوب ارائه نمیشود. استهلاکات بسیار زیادند. حجم زیاد کادر اداری که هم اکنون سازمانهای دولتی مارا رنج میدهد معمول مقررات اداری است که هر نوع حرکت بدین و انقلابی را تشکیلات سلب و یک کنڈی و تبلی خاصی را به همراه دارد. اصولاً برای انجام هر کاری چون تعداد کادر مجری از اندازه لازم بیشتر شد از بازده عمل میگاهد. نظیر روغن کاریست که چون از حد معینی تجاوز کرد اصطکاک بین قطعات زیادتر میشود. بعنوان مثال چنانچه برای انجام عملی به ۵۰ نفر نیاز پاشد و در آن بخش ۱۰۰ نفر استخدام شده باشند کار آبی ۱۰۰ نفر از ۵۰ نفر به مراتب کمتر است و متأسفانه در ادارات ما چنین مشکلی بنحو بیار و حشمگیری وجود دارد.

۶- سازمانهای دولتی و وزارت‌خانمهای مبتنی بر ریک سلسله اهداف خاصی ایجاد شده‌اند که کل دستگاه عریض و طویل اداری برای تحقق آن بحرکت در آمده است. ولی خصیصهای خشک و صلب آن که هر فرد را در قالب خاصی در رابطه با وظیفه شخص وی میریزد اعضاء راز شناخت همچون هدایی باز میدارد بگونه‌ای که کارمند اداری نه تنها اطلاعی از چرائی خدمت در آن سازمان را ندارد بلکه حتی با ادارات دیگر سازمان نیز بیگانه است حال چگونه میتوان انتظار داشت که کارمندان در راه چگونه به انجام رسانند اهداف مذکور بتوانند فعال و خلاق باشند. اصولاً بعداز چندی هدفها فراموش میشوند و روح منجمد و اغفال نایب‌پر اداری در همه حلول میکند و بعداز آن این ضوابط و مقررات است که بر افراد حکومت میکند و آنها را به این نظر و آن طرف میکشاند نه فراد بر سازمان حکومت کنند. در وزارت‌خانه این امر عمله را بجز وزیر در بر میگیرد و فقط وزیر است که خارج از محدودیتهای اداری میتواند دوربین خود را رای رصد امور به گردش در آورد که در این زمینه عموماً موقعيت چندانی به دست نمی‌دهد جرا که همه علت تمرکز امور در نظام اداری همواره کوهی از مشکلات اداری بر دوش وزیر سوار خواهد بود که به و مجال اندیشیدن را نمی‌دهد.

۷- سرمهای اذری احتسابی خود را به دو صورت کنترل میکند (جدای از بازار سپاهی خارج از چهار چوب وزارت خانه) یکی بوسیله وضع قوانین و

زمافوق یک ضرورت وجیر شغلی است و هر نوع ستنکاف از دستور وامر مقام بالاتر مستوجب عقوبات و مجازات است. رعایت سلسله مراتب

مکان مافوق حق مدیریت خود را از اساس شایستگیهای ذاتی و شخصی بدست نیاورده بلکه نفس انتساب وی به اوقدرت تحکم به پرستان را باخسیده است.

۳- فعالیت اداری باید خارج از هر گونه حب بعض چه نسبت به کار وچه در رابطه با ارباب رجوع نجام گیرد. که این خود از انسانیکه باید نسبت به مردپردازی از جهان هستی یک موضع اعتقادی

\* وزیر در بینش سیاسی اسلام بازوی پیامبر یا ائمه اطهار ویا ولی فقیه است، همانگونه که امام علی (ع) وزیر پیامبر و مالک اشتر وزیر امام علی (ع) بود.

عطاطفی داشته باشد موجودی خشکه بیرون  
و منجمد می‌سازد در نظام اداری مباری بروز  
مواطف انسانی مسدود و خصیصه‌های خوب و مشبّت  
صورت انحرافی مجال نمود می‌یابند. شخصیت  
ضمحل شده، فسرد اداری بساتندگویی  
پرخاشجویی و معطل کردن. مراجعة کننده خود  
ایه صورت غیر انسانی مطرح می‌کند. وی فقط  
مانیکه به مراجعة کننده می‌فهماند که کارش  
ردست اوست و باراده وی میتواند انجام گیرد  
یا کلاً معلق گردد احساس غرور و شخصیت  
کننده اینکه از پشت میز اداری یاسنگر  
میزد کنار میزود و به موجود ناتوان و عاجز  
زبرخورد های غیر اداری تبدیل می گردد. فاصله بین  
کارمند اداری و ارباب رجوع را کل نظام اداری  
صوت غم قیا حذف، د. آدم د است.

بروز یافتن محتوا در بروزگاه اینترنتی  
۴- همانگونه که بیان شد شایستگی مستقاضیان  
ضویت در سازمان اداری بر اساس مدرک سنجدیده  
می‌شود. هر نوع استخدامی بلا فاصله تأمین معاش  
شغل را بدبندی دارد. که این تأمین اداری علاوه  
بر اینکه یک ترس دائمی از قطع حقوق را در وجود  
استخدم می‌نشاند؟

(ع) بود. ضوابط حاکم بر وزارت خانه در بینش سیاسی اسلام همان است که امام علی در نامه به مالک اشتر بیان میدارد. حال آن ضوابط و

مقررات کجا و وزارت‌خانه‌های ما کجا!  
پس از ذکر مقدمه فوق به یک بررسی اجمالی از  
ویژگیهای نظام وزارت‌خانه‌ای میپردازیم.  
در این بررسی گرچه بیشتر جنبه‌های منفی و  
تخریبی نظام اداری بخصوص در شرایط انقلابی  
مطمئن نظر بوده است ولی نتیجه آن که اعلام خطر  
از محدود کردن حرکت‌های انقلابی در چهار جوب  
نظام اداری است کاملاً واقعی و منطقی است. البته  
این تحلیل جدای از ابراز عقیده آن عده از  
مردمیست که چون موقع مراجعت به ادارات دولتی  
تحقيق منافع خود را در آن نمیبینند به فحش و ناسزا  
مشغول میگردند و به این طریق عقده‌گشایی  
میکنند. به عقیده ما اولاً برای هر تشکیلاتی همواره  
مقداری مقررات اداری و مالی ضروریست و در ثانی از  
تشکیلات بوجود یابد بمنوان یک وسیله موقت  
سود جست و در بی ایجاد یک تشکیلات اجرایی  
انقلابی ملهم و منبعث از نهادهای انقلابی اسلامی  
باشد.

تعدادی از خصوصیات نظام اداری را به صورت مختصر میتوان چنین بیان کرد:

۱- در سازمان اداری هر کاری حتی عادی ترین و جزئی ترین آنها به صورت واضح در کادری مشخص و محدود به عنوان وظیفه رسمی به اعضاء واگذار نمیشود. تقسیم مستویات بینتی بر تقسیم کار و تقسیم کار، تقسیم تخصص را به دنبال دارد. لذا تخصص در ادارات به عنوان مهمترین و شاید تنها ملاک برای پذیرش و استخدام است. در کشورهایی مثل ایران که فکر امور کلی را در جایی دیگر (خارج از کشور) نموده بودند تخصصهای فنی و کاربردی محلی برای بروز نداشتند لذا داشتن تخصص بدل به ارائه مدرک و مدرک تحصیلی تنها نشانه موقعیت یا تغییر موقعیت اداری محسوب میشد.

اما اصل تخصص علاوه براینکه به هر فردی از روزنه باریکی مینگرد و جنبه‌های انسانی و اعتقادی و زمینه‌های استعدادی غیر تخصصی وی را از نظر می‌اندازد به یک نوع بیگانگی و بسی استثنایی و بربردگی و عدم درک و خس اعضاء نسبت به پکدیگر منجر می‌شود. لذا در نظام اداری هیچگاه روابط عاطفی و اخلاقی در سطح کل تشکیلات فرستاد بروز نمی‌باشد بلکه خصوص سلسله مراتب اداری این جنبه را به حداقل میرساند.

- تقسیم مسئولیت و ترتیب مدارج اداری  
و مرتبه‌های شغلی مبتنی بر سلسله مراتب اداری است  
که مقررات خاصی محدوده هر رده و مقام رامعین  
می‌گذارد. بر اساس هر اداره و هر مقامی تحت  
نظر نظارت یک اداره کلی تر و مسئولی مافق قرار  
می‌گیرد که این سلسله به وزیر ختم می‌گردد. اطاعت



## انقلاب اسلامی و ...

خود را در مقابل خدا و مکتب اسلام مستول می‌بینند و با توجه به مشکلات عظیم و عدیدمایی که دولت در کار خود با آن روبروست و اینکه هیچ کاری بدون مشارکت مردم انجام پذیر نیست آنگونه تلقی مردم از دولت مطابق با آنچه که در بندۀ گفته شد خطرناک و زیانبار خواهد بود برای اجتناب از وقوع همچون امری باید به یک بازارسازی عمیق سازمانهای دولتی دست زد.

تبديل وزارت‌خانه به نهاد انقلابی بدون دست بردن به کل تشکیلات و تغییر زیربنایی کلیه ضوابط و کاستن مقررات و بازنگری مجدد به کلیه اعضا اینها سخن بیهوده و گزافی خواهد بود. حضور یک یا چند نفر مسلمان و انقلابی نه وزارت‌خانه را انقلابی میکند و نه حکایت از اسلامیت آن خواهد کرد.

در سازمانهای دولتی امکانات عظیمی خواهید باند که بخصوص بعد از انقلاب تاکنون بسیاری از آنها خاک خورد و بتدربیح از بین می‌روند. چرا که فرد دلسوز و انقلابی در آنها حضور نداشته که بتواند آنها را بکار گرفته و بخدمت جامعه انقلابی درآورد و اگر کسانی قصد چنین عملی را داشته‌اند مقررات و ضوابط اداری جلو چنین امر حقی را گرفته است. در این زمینه مصاديق بیشماري را میتوان ارائه داد.

نکته جالب دیگر در این زمینه اینست که به محض حضور چند نیروی جهادی در ادارات تاثیر وجود آنها چنان محسوس و چشمگیر بوده که برای افرادیکه سالها در آنجا خدمت کرده‌اند جذاب و خیره کننده بوده است.

### ۲- نهادهای انقلاب اسلامی:

اوین موضوعی که در برخورد با نهاد انقلابی جلب توجه می‌کند خصلت غایت گرایی و هدفدار بودن آنست که موجودیت یافته ازاهداف کلی و عمومی انقلاب اسلامی است. هدفی که همواره چشم انداز و سیعی از آینده امیدبخش و مطلوبی را جلو چشمان اعضاء می‌گشاید. در نهادهای این تشکیلات نیست که برای اعضاء هدف و غایت تعیین می‌کند و آنها را به اطاعت کور کورانه یا چاره ناپذیر و ادار می‌سازد بلکه اعضاء اصولاً برای تحقق همچون اهداف و آرمانهایی که با ایده‌های اسلامی و انقلابی آنها یگانه است وارد نهاد میگرددند. ایجاد نهاد خود مبتنی بر همین اصل است. در نهادها فعالیت کور و مسدود نیست بلکه زمینه‌های تازه و کشف نشده عمل بسیار زیاد و قدرت ورود به این سرزمینهای نوبهای همه فراهم است. درنتیجه پویایی تشکیلات دائمی و شور و شوق اعضاء برای رفت و نماندن دائم التزايد است. هدفهای مقدس و آرمانهای متعالی خود خصلت‌های ویژه و ممتازی را از اعضاء طلب میکند. ضعفهای خصلتی و نقصانهای شخصی در رابطه با حرکت تکامل بتدریج مورد توجه و تصحیح قرار میگیرند. همانگونه که غصه با ایمان و اعتقاد و ایثار خود نهاد را به پیش می‌برد نهاد نیز با روح یک پارچه که مظہر تمامی خواسته‌های متعالی انقلاب است به تربیت اعضاء همت می‌گمارد.

آن اعتراض دارند، لذا دولت مجبور است برای تداوم فعالیت و هماهنگی امور و کنار گذاشتن افراد مزاحم از قدرت مجبور کننده خود که قانون به او واگذار کرده است استفاده کند. از اینجاست که دولت در نظر مردم دستگاهی تلقی می‌شود که برآنها تحمیل شده است. در حکومتهاست استبدادی این پندار بیشتر رنگ سیاسی بخود میگیرد و در حکومتهاست جمهوری دستگاه اداری را شامل میشود. بعلت وسعت و پیچیدگی دستگاه اداری و سازمانهای عظیم دولتی و برخورد غیر عاطفی و منجمد آن والقاء ضعف در ارباب رجوع و قدرتمند نشان دادن سازمان، نوعی ترس و تنفر را در وجود مردم از این هیولا مرمز می‌نشاند.

از نظر مسئولین دولتی دستگاه اداری حرمتی پیدا می‌کند که شایستگی آنرا ندارد. نظام اداری و کارگزاران آن از مسئولین مملکتی پایداری بیشتری دارند. به این ترتیب که عضویت مسئولین سیاسی در حکومت معمولاً موقتی و گذراست حال آنکه نظام اداری ثابت و پایه‌جاست و این امتیاز است برای دستگاه اداری که همواره مسئولین را محتاج بخود بداند و مسئولین مجبورند برای اداء وظایف خود به این دستگاه متول گردند.

۱۱- دستگاه اداری برای مردم و برای خدمت

### \* حرکت انقلابی با ویژگیهای سرعت، کوبندگی، قاطعیت و عدم سازش، اعتقادی وارزشی، شناخته می‌شود که حرکت اداری با تمامی اینها بیگانه است.

به آنها بوجود آمده است. ولی کارمندان همچون تلقی از این امر ندارند لذا این ارباب رجوع هستند که باید خود را مطابق با نظر مسئولین اداری تطبیق دهند. بعبارت دیگری محلی که مردم برای خدمت بخود ساخته‌اند تبدیل به سنگر محکمی برای کارمند اداری شده که او را از بسیاری از گزندگان و دشواریها مصون نگه بدارد. او همواره در پشت مقررات اداری خود را از هرگونه مؤاخذه انسانی و ارزشی مبرا می‌پندارد او مامور مذوریست نه مأمور مسئول.

موارد فوق به اضافه موارد دیگری که میتوان ذکر نمود عدم کارآئی لازم دستگاههای اداری را در شرایط انقلابی بیان میکند. همانگونه که گفته شد همواره مقداری از مقررات اداری و مالی برای انتظام هر نهاد و سازمانی ضروریست ولی نفوذ این روش در تمام وجوه یک جامعه مکتبی و انقلابی بخصوص در بعد آموزشی و فرهنگی و نیز سیاسی و نظامی مخرب و تباہ کننده است. عدم کفایت نظام دیوانسالاری که بخواهد تمامی ابعاد جامعه رادر برگرفته و در عمق امور نفوذ کند موضوع قابل تکثیر نیست.

در شرایط اسلامی و انقلابی جامعه ما که همه

مقررات خاصی که معمولاً مصادف با ازدیاد حجم کار و کادر اجرائی است که بعنوان مثال برای جلوگیری از سوءاستفاده مالی چنان مراجعت متعدد برای تائید و امضاء و قوانین حجیمی بکار برده شده است که خرج این سیستم نظارت خود بیش از میزانی است که میتواند سوره سوءاستفاده قرار گیرد. و دیگر بوسیله مسئولین و افراد متفاوت است که بصورت مستمر اعمال میگردد. هردو مجرای ذکر شده همواره راههای را برای اینحراف باز میگذارند.

۸- رفتار اداری که به تشریفات اداری تعبیر می‌شود گذشته از هرنوع داوریهای بغض‌آلود اصولاً با روحیه انقلابی سازگار نیست. هیچ حرکت انقلابی در هیچ قالب اداری نمی‌تواند جاری شود. حرکت انقلابی با ویژگیهای سرعت، کوبندگی، قاطعیت و عدم سازش، اعتقادی و ارزشی شناخته می‌شود که حرکت اداری با تائید باتفاقی اینها بیگانه است. یکی از دوستان یک موضوع ساده ارجاع شده به یکی از سازمانهای دولتی را از ابتدای تا به انجام پی‌گیری نمود که در این مسیر با امضاء کار به فرجم رسید. اصولاً اینکه هر امر جزئی باید بیک مقام سازمانی ارجاع شود و هر کار خارجی تا قبل از اینکه به تصویب چندتن از این مقامات نرسد، انجام نمی‌گردد اینعای کاغذبازی و تشریفات زائد اداری را تائید میکند.

۹- نظام اداری بعد از مدتی افراد خود را درقبال موقعيت‌های بحرانی و دشوار ضعیف و درمانده از مقابله میگرداند و از سوی دیگر آنها را همواره از جنبه‌های غیر تخصصی اداری هراسانده و گریزان می‌نماید.

آنچه که افراد یک تشکیلات اداری را بهم پیویند میدهد مقررات و حدود و ظایف و اختیارات است لذا هیچگاه یک روح واحد فعل و پویای انسانی و قوی نمی‌تواند در میان اعضاء تجلی کند.

ترس از مقام بالاتر برای حفظ موقعیت خود که به خوش خدمتی می‌آنجامد کارمند را وارد می‌سازد که خطاهای خود را از هرگونه مؤاخذه انسانی و مخفی نگه بدارد که این حفاظت و عادت منفی و ضدانسانی بتدریج در وجود او می‌نشیند که حتی بزندگی اجتماعی و خانوادگی وی خارج از اوقات اداری نیز اثر میگذارد. همچنین اینضباط خشک اداری موجب بروز هماهنگیها و مشابههای اجرایی در افعالی مشخصی ریخته و برآنها یک زندگی جبری ماشینی را تحمیل می‌کند.

۱۰- تمام افراد جامعه در حوزه اختیارات دولت قرار میگیرند. توائی دوست برای پاسخگویی به نیازها و خواسته‌ها و انتظارات، محدود و غیرکافی است. همواره افراد و گروههای هستند که به خود دولت یا به کارآئی آن و یا به نحوه فعالیت



انحراف از مسیر اصلی غیرممکن میگردد. و هرچه بیشتر به تشکیلات رژیم سرنگون شده اتکاء داشته باشد احتمال انحراف بیشتر خواهد بود. خصلت عمدۀ نهاد انقلابی مولد بودن آنست و خصلت اصلی سازمانهای اداری بعد از انقلاب نیازمندی شدید آنها به نیروهای انقلابی است.

نهاد انقلاب اسلامی برخاسته از میان امت اسلامی است که دریک حرکت انقلابی رژیم طاغوت را سرنگون ساخته و در پی تحقق جامعه اسلامی آهنگ پیشوای نموده‌اند. امت اسلامی مجموعه همان‌گونه و نظم یافته و هدفداری از مردم هستند که در پی حاکمیت بخشیدن به اراده‌الله و پیاده کردن رسالت بر عهده گرفته‌برآمده‌اند. امت اسلامی در درون خود مسئولیت دارد که مردم را به کار خیر و ادارد و از کارزشت بازدارد و به تربیت خود و دیگران همت گمارد. این مسئولیت خروج را در لباس تشکیلاتی، نهادهای انقلابی در انقلاب اسلامی بر عهده گرفته‌اند تا در خلال خدماتی عمومی اعم از رفاهی و دفاعی با سازماندهی مردم در جهت بکار گیری آنها در ساخت و حفاظت از انقلابشان از خصلتهای ایمان و ایثار اسلامی جانشان را لبریز سازند (کنتم خیرامة اخراجت للناس تامرون بالمعروف و تنهون عن المنکر و تؤمنون بالله).

نهاد انقلابی یا بسیار تحقق هدفهای امت اسلامی، خود را در مرزهای جغرافیائی محدود نمی‌کند بلکه به انجام رسالت جهانی خود که آزاد سازی محرومین جهان ورشد جنبه‌های انسانی آنهاست همت می‌گمارد (و گذلک جعلنا کم امة وسطاً لتکونوا شهداً على الناس) حال بهتر است به ارائه چند ویژگی از نهادهای انقلاب اسلامی بپردازیم:

۱- نهاد انقلابی ماهیت انقلابی دارد. نهاد انقلابی زایده‌انقلاب اسلامی است. نیازهای، بحرانها، کمبودها، ضرورتها و بخصوص مسئولیتها و رسالت‌های افراد مؤمن در رابطه با اسلام و انقلاب نهادهای را به دست توائی آنها ایجاد کرده و شکل داده است. لذا مشابهت و ساختیت تام و تمامی بین انقلاب اسلامی و نهاد انقلابی وجود دارد که آنها را عمیقاً بیکدیگر پیوند می‌دهد. هدفهای نهاد چیزی جز هدفهای انقلاب اسلامی نیست.

۲- نهاد انقلابی ماهیت مکتبی دارد. چون نهاد انقلابی برخاسته از متن انقلاب اسلامی است و اسلامیت تمامی وجود انقلاب ایران را پوشانیده است، اسلام نیز بعنوان یگانه مكتب اعتقادی و یگانه راهبر عملی با وجود نهادهای انقلابی درهم آمیخته است و هر عمل و فکری باید منطبق با ضوابط اسلامی باشد.

اگر از نهاد انقلابی اسلامیت آنرا حذف کنیم یکی از دور کن عده نهاد از بین رفته و کل نهاد فرو می‌ریزد. اسلامیت نهاد انقلابی جزو ماهیت و خصلت ذاتی ولا ینتفک آنست و این ویژگی عمدۀ ای است که کلیه سازمانهای دولتی فاقد آن می‌باشند. هیچ وزارت‌خانه‌ای در زمان تأسیس مبتنی بر اصول

\* در نهادها فعالیت کورو  
مسدود نیست بلکه  
زمینه‌های تازه و کشف نشده  
عمل بسیار زیاد و قدرت  
ورود به این سرزمینهای  
نوبرای همه فراهم است

راه الهی راهی است سخت و طولانی که از خاک و لجن شروع و با خلق بسوی خدا تا خدا استداد می‌یابد. در این راه هیچگاه خداوند راهیان را تنها نمی‌گذارد، این عدم تنهایی را نهادهای انقلابی بسیار آزموده‌اند. چرا که راهی که بخدا منتهی می‌شود راهنمای را در خودش نهفته دارد. در شرایط دشوار و در آینده‌های مبهم و وهام‌گزیر راه الهی خود توصیه کننده خوبی برای روند گسان خواهد بود. (والذین جاهدو افينا لنهدينهيم سبلنا) البته این هدایت مشروط به جهادی بدون عمل است. در نهادهای انقلابی هر فعلی باید لباس جهاد بپوشد و در این صورت است که عنایت و هدایت الهی شامل فرد و تشکیلات خواهد شد. و توکل بزرگترین پشوانه برای مقابله و مواجهه با ساخت‌ترین شرایط و بزرگترین دشمنان می‌باشد که بار هدایت الهی در راه تکاملی انسان را بر دوش می‌کشد.

هر انقلابی خود موجد فکرهای نوآیدهای تازه، فرهنگ انقلابی و نهادها و سازمانهای جدید و انقلابی می‌باشد. گرامی‌ترین سرمایه انقلاب همین فکرها و نهادها هستند. آنچه که انقلاب را غنا می‌بخشد و در تحقق آرمانهایش استوار و کوشان وارد صحنه عمل می‌گرددند نیز همین مجموعه فکرها و نهادهای انقلابی می‌باشند. هرچه حضور این فکرها و این نهادها در میدان انقلاب قویتر و بیشتر باشد انقلاب با قدرت بیشتر و مطمئن از راهی که در پیش گرفته بسوی ساختن آینده‌ای مطلوب خواهد تاخت.

اگر انقلابی بتواند تمامی تشکیلات حکومتی خود را مبنی بر همین فکرها و نهادها بنا کند

\* دو خصلت اسلامیت  
ومردی بودن نهادهای  
انقلابی که دو اصل اساسی  
برای ایجاد هر نهاد انقلابی  
است زمانی که در قالب  
تشکیلات بیکدیگر پیوند  
می‌خوردند ایجاد سازمانی را  
می‌کنند که با ارکان نظامی  
جمهوری اسلامی انتظامی  
کامل دارد.

وضوابط اسلامی شکل نگرفت بلکه چون ره‌آورده غرب بود جدای از هرگونه موضوع‌گیری اعتقادی و از شریعه ایجاد شد. که این خود ناهماهنگی با نظام اسلامی را که باید هروجه آن بالسلام پیوند خوردند باشد بیان می‌کند.

۳- نهاد انقلابی ماهیت میردمی دار و انقلاب اسلامی انقلابی است که بیشترین مشارکت مردمی را در به شمر نشاند آن بهمراه داشته است. لذا جنبه مردمی بودن انقلاب اسلامی بسیار قوی و از ویژگیهای ممتاز آن محسوب می‌شود. و نهادهای انقلابی جوشیده از متن همین مردم انقلاب کرده می‌باشند. رسالت ساختن انقلاب ببعد از پیروزی موجب شده که مردم دریک یورش تشکیلاتی اساس نهادهای انقلابی را بی بریزند.

نهادها تربیت نیروی انقلابی باشد آیا مبتدیان از حضور آنها در صحنه انقلاب چشم پوشید.

این نکته نیز قابل تذکر است که هر فرد مسلمان را بصرف انجام شماش اسلامی نمی‌توان انقلابی و جهادی نامید بلکه وی باید در کوره عملهای سخت و سازندگی در نقاط دورافتاده و نبرد در جبهه‌های جنگ در حالیکه در یک نهاد انقلابی تشکیلاتی شده بخته گردد. این چنین نیروئی میتواند در هر جایی به فعالیت انقلابی بپردازد.

وجود هر اشتباہی خطاکاری همه را بیان می‌کند منتها با شدت و ضعف نسبت به مسئولیتهای پذیرفته شده.

۹- نهاد انقلابی اعضای خود راچنان پرورش میدهد که همواره آماده مقابله با فردآهای دشوار و پیش بینی نشده باشند. از عوامل غیر تخصصی نهاستد که اصولاً درنهاد انقلابی تخصص به آن صورت که در سازمانهای اداری مطرّح است وجود ندارد. تخصص عبارت است از اختصاص دادن مقداری از نیروی فکری و بدنی به کاری خاص در حالیکه جنبه‌های دیگر فعالیت انسانی دقیقاً در نظر گرفته شده است لذا هیچگاه فرد، الینه تشکیلات و وابسته وجودی به تشکیلات نمی‌گردد. در خاتمه باید گفت که هیچگاه از یک وزارت‌خانه یا اسازمان رسمی نمی‌توان انتظار داشت که فراتر از مسئولیتهای به عهده گرفته عمل کند، به دو علت یکی مقررات حاکم بروظائف اعضاء است که آنها رادر یک زندان اداری محبوس می‌سازند و آنها زمانی شایسته و مستعد معرفی می‌کند که به این میله‌های زندان بیشتر معتقد و آب ورنگ بهتری به آنها بزنند درحالیکه هر نوع نوگرانی و خروج ازوظائف تعیین شده مسؤول چون در یک نظام و دیگر خود اعضاء هستند که چون در یک نظام اداری قرار گرفتند چنان استحاله می‌گرددند که هر نوع خلاقیت واستعداد درجهت رشد کمالات انسان و امور دیگر حتی در رابطه با شخص شغلی در وجود آنها کشته می‌شود بعارت دیگر فکر نکردن و دریبی دستیابی به اندیشه‌های نوآباستکارات وابداعات بر نیامدن بصورت عادت درخواهد آمد. روح انقلاب با یان چنین خصلتی بهیچوجه سازگار نیست.

این نکته قابل تذکر است که نهادها نیز برای انسجام امور خود به مقداری از ضوابط اداری متول می‌گردند منتها این ضوابط و این نظم تشکیلاتی با آنچه مقررات اداری خوانده می‌شود بسیار متفاوت است. نظم انقلابی نظمی است که انقلاب در خلاص نفی سیستم گذشته ازین بین بی‌نظمیهای حاصل از تخریب بدست می‌آورده نه قبول آنچه که رژیم منهدم شده باقی گذاشته است. حال با توجه به مطالبی که بیان شد می‌توان درمورد رابطه نهادها و سازمانهای اداری و نیز ضرورت وجودی هر کدام بحث کرد. در تحلیل مختصر فوق هدف قداست بخشیدن به نهادها و میراجلوه دادن آنها از هر گونه خطا و استیاهی نبوده است و نیز غرض نفی تشکیلات رسمی و دولت موجود نیز نبوده است بلکه هدف نخست یافتن جایگاه واقعی نظام وزارت‌خانه‌ای باتوجه به ارزش و کار آئی آن در نظام جمهوری اسلامی است و درنانی اثبات ضرورت حضور و تقویت نهادهای انقلابی و ایجاد زمینه برای شکنندهای انقلابی دیگر در آینده است. نه اینکه به خاطر یک سری محضورات نهادهای انقلابی را به پای وزارت‌خانه‌ها ذیح شرعی نمائیم.

همانگونه که قبل ایان شد قانون اساسی درمورد نهادهای انقلابی ساخت است که نمایندگان محترم



سیدقلاب فرهنگی

۵- در نهاد انقلابی اعضاء منتظر مراجعته گشته و ارجاع کار از طرف آنها نیستند بلکه خود بدنیال کار در رابطه با رفع نیازها می‌گردند. آنها خود مولد کارند و تشکیلات نه تنها این امر نیز تشویق می‌کند. جمهوری اسلامی وارث مملکتی است که در تمامی ابعاد وابسته بوده است لذا نقشه‌ها، کمبودها و نیازها را حدی نیست. متابع بیکارانی از کار وجود دارد که باید بدست توانی افراد جامعه لیاس عمل بپوشد. بخصوص در رابطه با ساختن آینده مطلوب بسیاری از زمینه‌های نو باید ایجاد و خطر نکرده کشف و انجام شوند. دستیابی به استقلال و خود کفایی در سایه خلق فردآهایی امکان پذیر است که بسیار پربارتر از امروز باشند و این نیروهای را می‌طلبید که منتظر ظهور کار از طرف ارباب رجوع نباشند، آنهم ظهور کار از طرف ارباب رجوع نباشند، آنهم کاری فردی، بی‌حاصل در کل و روزمره یعنی فقط بدرد صبح را به شب رساندن می‌خورد، بلکه خود اصولاً یکی از ویژگیهای فعالیت نهاد انقلابی سرعت در عمل است. کندی کار سازمانهای اداری بر کسی پوشیده نیست. این کندی هیچ تناسبی با یک نظام انقلابی و یا با حرکه‌های سریع مورد نیاز نیامده و اختراع وسائلی که تاکنون ساخته نشده است.

در نهاد انقلابی زمینه این نوع فعالیت کاملاً مهیا و بسیاری از امور که تا حال انجام پذیرفته مبتنى بر همین روش انقلابی بوده است. حال آنکه زمینه وزارت‌خانه برای کاشتن همچون بذری و حصول همچون محصولی کاملاً عقیم است.

۶- در نهاد انقلابی سلسه مراتب بر اصل اسلامیت و شایستگیهای فردی در رابطه با مسئولیت واگذار شده به مدیر می‌باشد. که از یک حالت انتخابی، انتصابی برخوردار است.

زمینه رشد و ارتقاء برای هر فردی فراهم است و این ارتقاء مستلزم گذشت زمان مشخصی نیست. در نظام اداری رتبه و مقام با سالهای خدمت سنجیده می‌شود حال این خدمت چه بوده و از چه کیفیتی برخوردار است مطرح نیست. در نهاد انقلابی هر نوع انحراف و یا ضعف منجر به برکناری مسئول می‌گردد و یا اینکه خود وی جایش را به فرد مناسبتری می‌سپارد. لذا مقام مأفوقة معنی ندازد بلکه ارتباط و برخورد نمی‌شود. عضو نهاد یک فرد نیازمند برخورد نمی‌شود. عضو نهاد انقلابی برای اثبات خود و شخصیت خویش نیازمند پرخاشجویی و حبوب لای کار مراجعته گذاشته است. او شخصیت خود را نخست از اسلام و سپس از انقلاب و نهاد انقلابی کسب کرده است. و چه شخصیتی از این والتر و دیگر چه ضرورتی که به لحاظ مسئولیت داشتن خود را قدرتمند جلوه دهد. لذا هر گز نهاد انقلابی سنگری برای کسب قدرت هیچ فردی نخواهد بود.

۷- در نهاد انقلابی مقررات و تشریفات اداری به حداقل می‌رسد و حتی اگر در این زمینه این حداقل تأمین نشده باشد بعلت انعطاف‌پذیری تشکیلات هیچکس معدوم نیست. لذا وقوع هر انحرافی و تحقق امر فوق سهل خواهد بود. کارها حداقل با

شود ولی تجربه عملی بیش از سه سال انقلاب این مدعما را تایید میکند. گرچه در آغاز مواجه با مقداری ناهماهنگیها و شاید افت کارها بگردیده ولی در آینده‌ای نزدیک امور اجرائی از چنان سرعتی برخودار خواهد گشت که در مدتی کوتاه این عقب‌افتدگی را جبران و بسوی آینده متعالی انقلاب به پرواز در خواهد آمد. در اینحال دولت نه نیروی ترساننده برای ملت هست و نه تشكیلات تحمل شده بلکه دولت خود مردمی هست که برای ساختن جامعه خویش در چهارچوب ضوابط اسلامی و انقلابی حرکت میکند.

از آنجه که تاکنون بیان شد میتوان به این نتیجه رسید که اولاً حركتی مانند انقلاب فرهنگی نمی‌تواند هرگز در محدوده یک وزارت‌خانه با هیبت فعلی قرار گیرد و در ثانی اصولاً آموزش و فرهنگ و تربیت جامعه انقلابی نیز نباید در قیس سازمان اداری گرفتار گردد. در مورد این موضوع انشاء‌له در شماره بعد به بحث می‌پردازیم. حسن رحیم



- ۳- نهادهایی که در شهر یا شهرستان یا بخش خاصی عمل میکنند.
- ۴- نهادهایی که در محله‌ای خاص از شهر یا شهرستان یا بخش ویا در ده عمل میکنند.
- ۵- نهادهایی که بصورت صنفی در لباس اینچنان اسلامی یا دفتر فلان و خانه بهمن فعالیت میکنند. نهادهای فوق بالحظاظ قوت و کشش تشكیلات شدت وضعف دارند. آنچه که مورد نظر ماست نهادهایی هستند که یا سراسری عمل میکنند و یا قابلیت اینگونه عمل را دارند و نیازهای جامعه نیز انجام اینچنین فعالیتی را طلب میکند.

ادغام و ترکیب نهاد انقلابی و وزارت‌خانه‌ها بسیار مشکل و خوب‌باب تعارضات و سیعی را می‌گشاید. نه نهاد انقلابی میتواند به تمکین ضابطه‌های دیوان‌سازاری منشیند و نه سازمان اداری اجازه هرج و مرچ! را بعنوان فعالیت انقلابی میدهد. لذا راه معقول و مطلوب ایجاد رابطه و همسایه‌گی با حفظ هویت مستقل هر کدام از این دو می‌باشد. بدین ترتیب که با اساس قراردادن استقرار نهادهای انقلابی بعنوان سازمانهای اجرائی کشور به تقویت و گسترش آنها پرداخته شود کلیه وظایف بصورت رسمی با حفظ ضوابط نهاد انقلابی با تشکیلاتی که چند خصوصیت آن ذکر شد به نهاد واگذار میشود هر کجا که وظایف مشترکی بین نهاد و وزارت‌خانه مشاهده شد باید جهت انتقال وظایف از وزارت‌خانه بسوی نهاد انقلابی باشد.

تشکیلات نهادهای انقلابی باید به تصویت مجلس شورای اسلامی برسد که این خود مشکل قانونی بودن آنها را حل میکند. حضور مسئولین نهادهای در هیئت دولت خود بتدربیگشکل ناهماهنگی را رفع می‌نماید. البته نه بعنوان وزیر بل بعنوان مسئول و مدیر تا کم کم بتوان بر اساس اصل قراردادن تشکیلات نهادهای انقلابی برای قوه مجریه به یک سازمان قوی اسلامی و انقلابی دست یافت.

شاید بیان فوق با توجه به مشکلات بیشمار و حجم کار عظیمی که بر دوش دولت و وزارت‌خانه‌است دور از واقعیت و ذهنگرایی تلفی

مجلس شورای اسلامی وقهای شورای نگهبان این سکوت را بارهای منطقی که خود بهتر می‌شناستند باید تبدیل به فریاد تایید و تشبیت نمایند. و گرنه دولت یا زناهماهنگیهای گریز ناپذیر موجود باید در رفع و بلا تکلفی باشد و باه حذف وهضم نهادها مبادرت ورزد. اما دولت خود نمی‌تواند نظام وزارت‌خانه‌ای رانفی کند چرا که اولاً در شرایط کنونی مغایر با منافع مردم است و نیز با قانون اساسی منافع دارد و در ثانی خود دولت مبتنی بر همین نظام تعریف شده و نفی آن معادل بانفی خود دولت است.

جمهوری اسلامی بصورت اعم و مجلس شورای اسلامی بطور اخص وظیفه طراحی و تدوین نظام اجرائی کشور را بر عهده دارند. نظامی که هم مناسب با شخصیت جمهوری اسلامی بوده وهم قادر به حرکت با بسیار انقلاب اسلامی باشد بخصوص که اینک اندک اسلامی رفته که بادر نور دیدن مرزهای جغرافیائی کل جهان را از پیام الهی خویش لبریز سازد. چه ره آورده‌ی بهتر از تجربه انقلاب اسلامی و چه هدیه‌ای گرامیتر از تشكیلات حکومت اسلامی بگونه‌ای که در عصر حاضر قابل تحقق باشد. آیا نظام وزارت‌خانه‌ای موجود را میتوان به هواخواهان انقلاب اسلامی بعنوان نظام دولتی در جامعه اسلامی ارائه کرد؟ قبول نظام وزارت‌خانه‌ای با شرایط موجود بذریغ نظم اجرائی شاهنشاهی است گرچه از این نظام بصورت موقت و بعنوان یک وسیله میتوان سود جست ولی برای آینده حتماً باید چاره اندیشه نمود. در قسمتهای اداری و مسالی وزارت‌خانه‌ها و سازمانهای دولتی طرحها و برنامه‌های دردست تهیه هست ولی اینها برخود اصلاحی و روشنایی با قضیه است نه انقلابی وزیر بنائی بر خود انقلابی یعنی یک دگرگونی عمیق در مقررات و ضوابط، تشكیلات و سازماندهی و نیروی انسانی موجود ایجاد کردن که این خود مستلزم یک تعریف جدید از سازمان اداری و طراحی تشکیلاتی نو متناسب با جمهوری اسلامی می‌باشد. در شرایط فعلی باید در اسرع وقت به بررسی نهادهای انقلابی برداخت. آنها که وجود و کارشان در این طبقه با حرکت انقلاب اسلامی ضرورت دارد تقویت کرد کلیه امور چندی که بعد از انقلاب ایجاد گشته‌اند و در آینده بوجود می‌آیند باید بصورت یک نهاد انقلابی سازمان یابند.

بودجه نهادها با توجه به کمیت و کیفیت و نیز روش عملکردشان با کمک خود آنها در چهار چوب مشخصی معین و تامین گردد. نهادهای انقلابی با کمکهای مردمی و فعالیتهای تولیدی میتوانند بخش زیادی از بودجه مورد نیاز خود را تامین کنند. نهادهای را باید به لحاظ گسترش فعالیت و کشش کالبدی تشکیلات به چند دسته تقسیم نمود:

- ۱- نهادهایی که در سطح کل جامعه و در تمامی مناطق عمل میکنند.
- ۲- نهادهایی که در منطقه‌ای خاص و بادر چهار چوب وظایف محدود عمل میکنند ولی قابلیت گسترش سراسری را دارا می‌باشند.